

مراسم رونمایی از پژوهش

گروه‌های قومی و تقسیم قدرت سیاسی در افغانستان

۱۴ قوس / آذر ۱۳۹۸



 www.aiss.af

 @AISS_Afg

 @AISSAfghanistan

AISS-R-018-2019

گزارش مراسم

رونمایی از پژوهش جدید انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تحت عنوان

«گروه‌های قومی و تقسیم قدرت سیاسی در افغانستان»

پنج‌شنبه، ۱۴ قوس/ آذر ۱۳۹۸، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان از پژوهش جدید خود تحت عنوان «گروه‌های قومی و توزیع قدرت سیاسی در افغانستان: تعدیل یا تغییر نظام سیاسی در کشور» با حضور برخی از مقامات دولتی، اساتید دانشگاه، فرهنگیان، کارشناسان، اعضای جامعه مدنی و اصحاب رسانه رونمایی کرد. سخنرانان این برنامه، خانم صدیقه بختیاری، پژوهش‌گر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، دکتر محی‌الدین مهدی، عضو پیشین پارلمان و دکتر انورالحق احدی، رییس حزب افغان ملت بودند و گرداندگی برنامه را خانم فرحناز فروتن به عهده داشت.

در آغاز برنامه خانم صدیقه بختیاری، یکی از نویسندگان گزارش پیرامون یافته‌های پژوهش صحبت نموده و گفت این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است، آیا نظام جدید بعد از سقوط طالبان خواسته‌ها و منافع گروه‌های قومی را برآورده ساخته است یا خیر؟ به گفته نویسنده، بحث پیرامون نظام سیاسی در افغانستان هر روز پر رنگ‌تر از قبل می‌شود و در زمان انتخابات به یکی از شعارهای اصلی نامزدان مبدل می‌گردد، حتی بحث تغییر نظام مطرح می‌گردد. خانم بختیاری افزود، در تحقیق کنونی، دیدگاه‌های طیف‌های مختلف از قبیل، تیم‌های انتخاباتی، احزاب سیاسی، نمایندگان پارلمان، کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، اعضای لوی جرگه قانون اساسی، اشتراک‌کنندگان نشست دوحه و قطر و کارشناسان از طریق مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری شده است. به نظر خانم بختیاری، اساس شکل‌گیری نظام سیاسی کنونی به نشست بن بر می‌گردد، اگر چه در آن نشست در مورد نوعیت و چگونگی نظام بحث صورت نگرفت ولی در مورد اشتراک و سهم اقوام در ساختار سیاسی پسا بن گفت‌وگوهای جدی مطرح گردید. وی افزود، بر اساس نظریه‌های مصاحبه‌شوندگان پژوهش، نشست بن اساس سهمیه‌بندی قدرت بین اقوام را شکل داد و اکثریت اشتراک‌کنندگان تحقیق از قومیت‌های مختلف به این نظر توافق نظر دارند.

به باور خانم بختیاری، دومین مبنای شکل‌گیری نظام سیاسی فعلی کشور، لوی جرگه قانون اساسی است که در آن بحث نظام سیاسی و نوعیت آن مطرح گردید و این بحث اختلاف نظرهای جدی را میان اشتراک‌کنندگان به میان آورد که حتی مدت زمان لوی جرگه تمدید شد که یگانه دلیل آن عدم توافق بالای موضوع نظام سیاسی بود. اکثر مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش از قومیت‌های مختلف معتقد بودند که نظام سیاسی کنونی نماینده منافع آنها نیست و استدال آنها از متمرکز بودن نظام سیاسی در لایه‌های مختلف است. لایه نخست، تمام تصامیم در مرکز گفته می‌شود و این از سرعت عملکرد و کارکرد نهادها در ولایات و محلات می‌کاهد. لایه دوم، تمرکز قدرت در قوه مجریه است، بر بنیاد صحبت‌های اعضای پارلمان و یک عضو قوه قضائیه، تمام قدرت در قوه مجریه جمع شده که به نظر آنها این ریشه در قانون اساسی دارد چون زمانی که رییس‌جمهور، رییس هر سه قوه تعریف می‌شود، طبیعی است که قوه مجریه از صلاحیت‌های بیش‌تری برخوردار باشد. در این تحقیق اعضای پارلمان از عدم توشیح مصوبه‌های مجلس نمایندگان از جانب رییس‌جمهوری و سرپرست وزیران نیز یاد کردند. از جانب دیگر، صلاحیت‌ها در تمام نهادها قوه مجریه متمرکز نیست، تمرکز صلاحیت در نهاد ریاست‌جمهوری می‌باشد و علل آن عدم مشخص بودن صلاحیت‌های معاونین رییس‌جمهور در قانون اساسی است، یعنی تمام قوه مجریه قدرت ندارد، تنها رییس‌جمهور است که از

تمام اختیارات برخوردار می‌باشد. لایه سوم، تمرکز قدرت در رهبران قومی است، آنها بخاطر تعلق قومی خود صاحب قدرت هستند و در طی چند سال از نگاه اقتصادی نیز ثروتمند شدند و حالا تلاش دارند تا قدرت و اعتبار کنونی خود را به نسل بعدی منتقل کنند. خانم بختیاری علاوه کرد، مهم‌ترین مشکل نظام سیاسی کنونی از دید اشتراک‌کنندگان، تمرکز قدرت در سه لایه متذکره می‌باشد که شهروندان خود را در قدرت و تصمیم‌گیری سهیم نمی‌دانند.



خانم بختیاری افزود، از دید کارشناسان حقوقی، قانون اساسی کشور از دو جهت مشکل دارد. نخست، در قانون اساسی، در مورد نهاد تفسیر کننده قانون اساسی ابهام وجود دارد و اهمیت موضوع بر می‌گردد به متمرکز بودن قدرت در نهاد ریاست جمهوری. بطور مثال، در مواردی که رئیس جمهور تخطی می‌کند باید یک نهاد نظارت کننده وجود داشته باشد اما برای این کار دو نهاد موازی تعریف شده است، عبارت از دادگاه عالی، مطابق ماده ۱۲۱ قانون اساسی و کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، مطابق ۱۵۷ تعریف کرده است. یعنی اینکه، هر گاه تخطی از جانب رئیس جمهور صورت بگیرد، یک نهاد مشخص بررسی کننده در زمینه وجود ندارد و از سوی دیگر قانون اساسی بین شهروندان تبعیض قائل شده است. مثلاً، یکی از شرایط کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری، مسلمان بودن ذکر شده است و این پیش‌شرط به نظر مصاحبه‌شوندگان هندو باور تحقیق تبعیض‌آمیز محسوب می‌شود.

مشکل دوم، سوگیری‌های قومی است، برخی سیاست‌های رسمی دولت جهت‌گیری قومی داشته است. مثلاً، سهمیه بندی کانکور که سال قبل یک-چهارم ظرفیت دانشگاه‌ها به کوچی‌ها اختصاص داده شد که به نظر اشتراک‌کنندگان این مسئله شکاف بین اقوام را بیش‌تر می‌کند و مانع روند ملت شدن در کشور می‌شود و مثال دیگر آن تقسیم نهادها میان اقوام می‌باشد که در آن مسئله شایسته‌سالاری مدنظر گرفته نمی‌شود.

خانم بختیاری گفت، شرکت‌کنندگان این تحقیق، دوسته می‌باشند، تعدیل خواهان و تغییر خواهان. به باور تعدیل خواهان، اعمال تغییرات جزئی مشکل نظام سیاسی کنونی را مرفوع می‌سازد اما از سوی دیگر، تغییر خواهان تمرکز قدرت را مشکل اساسی نظام کنونی می‌پندارد و تاکید بر باید بر تغییر بنیادی نظام دارند و چند نظام مشخص را پیش‌نهاد می‌کنند که عبارت اند از: نظام پارلمانی، نظام ریاستی با سه معاون، نظام سیاسی با صدرات اجرایی و نظام فدرالی می‌باشد که هر کدام از پیشنهادکنندگان معتقد است که نظام مطلوب آنها مشکل کنونی را حل خواهد کرد.

به باور خانم بختیاری، ممکن هدف از سهمیه‌بندی قدرت در نشست بن جلب رضایت اقوام بوده باشد اما در سال‌های گذشته نشان داد که نه تنها رضایت اقوام فراهم نشده بلکه ناراضی‌هایی بیشتر شده است یعنی در حال حاضر تمام گروه‌های قومی خود را حذف شده می‌دانند. به نظر وی، افراد و تیم‌های که نظام‌های بدیل پیش‌نهاد کردند، نه تنها فهم دقیق از طرح خود نداشتند بلکه اختلاف دیدگاه میان اعضای تیم واحد وجود داشت که هر کدام نظام‌های متفاوت را مطرح می‌کردند و این نشان می‌دهد که اتفاق نظر میان اعضای یک تیم وجود ندارد و این باعث می‌شود که بحث تغییر نظام جدی گرفته نشود.

دکتر محی‌الدین مهدی، ضمن قدردانی از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، در مورد اهمیت پژوهش صحبت کرده و گفت، دموکراسی بدون احزاب سیاسی در یک جامعه معنی ندارد و بدون موجودیت و نقش احزاب از ابزار قومی به آسانی استفاده می‌شود و فردیکه مخالف نقش احزاب در پروسه‌های ملی هستند، بهتر می‌توانند از مسئله قومیت استفاده نمایند. به باور آقای مهدی، نقد و ایراد آنها در مورد احزاب سیاسی، فراگیر و ملی نبودن احزاب است. دکتر مهدی گفت، دموکراسی یک نسخه از قبل تعیین شده نیست و پختگی آن نیاز به تمرین دارد، در قانونی اساسی از احزاب سیاسی یاد شده و در عمل نیز احزاب داریم اما در انتخابات به احزاب نقش داده نمی‌شود. سوال اینجاست آیا نوزده سال برای ساختن احزاب سیاسی کافی نبود؟ - در کشورهای دیگر در آستانه انتخابات نخبگان سیاسی یک حزب را پایه‌گذاری می‌کنند و در انتخابات شرکت می‌کنند و حتی پیروز می‌شوند. بطور مثال: وزیر خارجه فعلی پاکستان در تمام احزاب سیاسی پاکستان یک بار عضویت داشته است و هر بار از طریق حزب، به مقام و چوکی رسیده است. به باور آقای مهدی، کسانی که مانع نقش احزاب در انتخابات می‌شود، علاوه بر فراگیر و ملی نبودن احزاب، دلیل دیگر دارند. وی گفت، تا هنوز در افغانستان حکومت‌داری را با احزاب سیاسی تجربه نکردیم و انتقادات ما در مورد احزاب بی‌بنیاد و واهی می‌باشد.



از دید دکتر مهدی، احزاب از نظر جغرافیایی و گروه‌های اجتماعی باید فراگیر باشند و برنامه‌های افغانستان شمول داشته باشند، حزبی حق شرکت در انتخابات را داشته باشد که تجربه انتخابات درون حزبی را داشته باشد و خودش برآیند انتخابات باشد، حزبی در انتخابات شرکت کند که در پارلمان عضو داشته باشد و در غیر آن برای دیگران اجازه فعالیت داده نشود و بعد از آن، همه به احزابی مراجعه می‌کنند که قادر به کسب کرسی مجلس می‌باشد و مسئله مهم دیگر، شفافیت مالی احزاب است، منبع درآمد و چگونگی مصرف آن مشخص و روشن باشد.

آقای مهدی افزود، بر اساس سخنان نویسنده پژوهش، بعضی اشتراک‌کنندگان تحقیق از عدم حضور طالبان در نشست بن یادآور شده و آن را یکی نواقص کنفرانس دانسته است. سوال من اینجاست، بعد از ختم جنگ دوم جهانی، چرا کشورهای چپان، آلمان و ایتالیا را در شورای امنیت سازمان ملل شریک نساختند. در کجا آنها شکست خورده که به لحاظ فیزیکی مضمحل شده باشند؟ ما نباید شرایط امروز با بیست سال قبل مقایسه کنیم. در آن زمان طالبان کاملاً شکست خورده و مضمحل شده بود. به گفته آقای مهدی، اما در شرایط فعلی ما نیاز داریم تا با طالبان وارد گفت‌وگو شویم چون نمی‌شود حضور آنها را نادیده گرفت و ایراد من به تحقیق کنونی نیز همین است که چرا به موضوع طالبان کم پرداخته شده است چون تمام پروسه‌های سیاسی کشور را تحت شعاع قرار داده است. آقای مهدی گفت، من در نشت دوحه حضور داشتم و تاحدی با افکار و خواسته‌های آنها آشنا شدم، طالبان خواستار امارت اسلامی هستند، وی در مرود نشست دوحه گفت، در نشست دوحه شرکت‌کننده‌ها به دو دسته تقسیم شده بودند. یک، طالبان که طرفدار امارت اسلامی بود که در آن زعیم کشور توسط یک جمع محدود نخبگان انتخاب می‌شود. دوم، جمهوریت خواهان، که انتخاب زعیم به دست مردم است اما در دسته جمهوریت خواهان، تیم‌های انتخاباتی است که اشکال مختلف را پیش‌نهاد می‌کنند. چند بار است که در افغانستان انتخابات برگزار می‌شود ولی هر بار نتیجه آن قابل قبول نیست و بالاخره منتج به تقابل قومی می‌شود، همین اکنون در بن‌بست انتخاباتی قرار داریم و دلیل همه مشکلات این است که گروه‌های قومی تصور می‌کنند، هرگاه گروه مقابل رییس جمهور شد، هر آنچه را لازم دانست انجام می‌دهد و طرح من این است که باید از حساسیت موضوع کاسته شود و در تمام کشورها همانند افغانستان انتخابات و رییس جمهور چنین حساسیت را ندارد. مثال، من نمی‌دانم رییس جمهور هندوستان کی است، چون از حساسیت برخوردار نیست، شورای ملی رییس جمهوری مملکت را تعیین می‌کند. در هندوستان با همین شیوه یک‌بار سیک رییس جمهور است و بار دیگر مسلمان رییس جمهور می‌شود.



دکتر مهدی در مورد طالبان گفت، سه راه‌حل برای طالبان قابل پیش‌بینی است. نخست، اختصاص چند کرسی برای طالبان اما طالبان از گروه‌های نیست که با گرفتن چند چوکی راضی شود. دوم، اختصاص یک زون برای طالبان تا اعمال قدرت سیاسی کند البته در چاچوپ و زیر پرچم دولت افغانستان و سوم اینکه طالبان به عنوان یک حزب سیاسی حضور پیدا کند و در انتخابات های آینده مانند سایر احزاب شرکت کند.

آقای مهدی در مورد نظام پیش‌نهادی ریاستی با صدرات اجرایی بیان کرد، در این نظام فقط تمرکز اداری تا حدی کاهش و یا حل می‌کند و در قسمت تمرکز قومی و جغرافیایی در قدرت تغییر وارد نمی‌شود و تناقض آن این است که صدر اعظم توسط

رئیس جمهور عزل و نصب می‌شود. به نظر آقای مهدی، اینکه میان تغییر خواهان یا اعضای یک تیم اتفاق نظر وجود نداشت، آقای مهدی آن را یک امر طبیعی می‌خواند بخاطریکه چون مصاحبه شوندگان نه نماینده یک حزب و نه هم پایگاه قومی واحد داشتند و این یک امر طبیعی است، دکتر مهدی در آخر سخنان خود پیرامون انتخابات صحبت کرد و اظهار کرد، انتخابات کنونی به بن بست رسیده و از صندوق رای نظام مشروع حاصل نمی‌شود.

دکتر انورالحق احدی، پژوهش‌های انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان را ارزنده و مهم خواند و ادامه داد، نباید به موضوعات چون بی‌عدالتی و تبعیض در قرن بیست و یک اجازه داده شود و من شخصا مخالف آن هستم، به باور دکتر احدی، در دنیا نظام‌های متمرکز داریم که عادلانه است و در کنار آن نظام‌های غیرمتمرکز نیز داریم که بر شهروندان تبعیض روا داشته می‌دارد، وی گفت، من در عقیده دموکرات هستم و به نظرم تمثیل دموکراسی از طریق نظام پارلمانی و ریاستی ممکن می‌باشد، در اوایل، طرفدار نظام پارلمانی بودم ولی بعد بنابر واقعیت‌های افغانستان خواستار نظام ریاستی شدم. به باور آقای احدی، سیستم‌های پارلمانی نیز باعث بی‌ثباتی می‌شود و نباید همه‌ای سیستم‌های پارلمانی کشورها خوب توصیف کرد، سازش و کنار آمدن در سیستم پارلمانی آسان‌تر است. در کشور ما فساد به اوج خود رسیده، در سیستم پارلمانی به آسانی تیم‌ها بر سر اینکه چگونه حکومت را ساقط کند به توافق می‌رسند ولی اکثریت دموکراسی‌های دنیا شکل پارلمانی دارند و تنها آمریکا، کشورهای آمریکای لاتین و تعداد محدود کشورهای دیگر دارای نظام‌های ریاستی هستند.



دکتر احدی پژوهش کنونی را از دو منظر مورد نقد قرار داد. نخست، روش تحقیق و دوم محتوای تحقیق. به باور آقای احدی، موضوع پژوهش کنونی به اندازه کافی شناسایی نشده چون در مطالعات علوم انسانی پدیده‌ها باید مشخص و روشن باشد و برای شرح آن دلایل مشخص ارائه شود تا عامل و معلول پدیده معلوم شود. آقای احدی گفت، من در تحقیق نمی‌دانم که پدیده چیست، آیا عدم رضایت سیاسیون اقوام مختلف است یا خیر؟ اما وقتی به متن تحقیق مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که موضوعات دیگر از قبیل اینکه در سیستم مرکزی عملکرد آهسته است و مسائل روابط اشخاص تعیین کننده است، مطرح گردیده است.

به گفته آقای احدی، اگر چنین مسائل را پدیده یا متغییر وابسته نام بگذاریم، مسائل نامبرده در همه‌ای نظام‌ها موجود می‌باشد، در تحقیق عامل مستقل نیز شناسایی نشده است. بطور مثال: بحث شده که سیستم ریاستی متمرکز است ولی به صورت درست موشکافی و توضیح داده نشده تا برای خواننده تفهیم شود. آقای احدی گفت، در قانون اساسی افغانستان بیست و یک صلاحیت

به رییس جمهور داده شده است، باید نویسندگان پژوهش، صلاحیت‌ها را مشخص می‌کرد و توضیح می‌داد که کدام صلاحیت بنابر کدام دلیل نباید به رییس جمهور داده می‌شد و دیگر اینکه آیا در سیستم صدارتی صلاحیت‌های مختص رییس جمهور موجود نیست. آقای احدی علاوه کرد، در یک بخش تحقیق از واژه سرقومندان قوای مسلح ذکر گردیده است، سوال اینجاست که در سیستم غیرمتمرکز سرقومندان قوای مسلح کی می‌باشد تا موضوعات جنگ و صلح را دنبال کند. آقای احدی در مورد سیستم پارلمانی گفت، نمایندگان پارلمان، بخصوص آنهایی که از طریق احزاب وارد مجلس شود، آزادی‌های بسیار محدود دارند که نمونه بارز آن سیستم پارلمانی انگلستان است، بسیار کم اتفاق می‌افتد، اعضای حزب کارگر یا محافظه کار از موقف صدراعظم یا رییس اپوزیسیون صحبت مخالف داشته باشند، به گفته آقای احدی، موارد متذکر به گونه‌ای درست شناسایی نشده است و تا زمانیکه موضوعات روشن نباشد، نمی‌توانیم ارتباط بین معلوم و معلول را شناسایی کنیم. دکتر احدی گفت، در پژوهش کنونی بیش‌تر به دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان اتکا شده است و موضوعات نیز به صورت سطحی مطرح گردیده است، بسیار اشخاص بصورت آفاقی و تئوری در مورد نظام سیاسی نظر می‌دهند ولی به این معنی نیست که فهم قوی در مورد نظام‌های سیاسی دارند. وی در مورد منابع تحقیق گفت، در پژوهش کنونی از نظریات و آثار علمای نامدار عرصه سیاسی استفاده نشده است و این یکی از کمبودات دیگر تحقیق می‌باشد.

به باور آقای احدی، سیستم فعلی کشور مخالف احزاب سیاسی نمی‌باشد، این زعیم کشور است تا با دور اندیشی برای افغانستان چنین برنامه‌های را در نظر بگیرد. اگر فرض کنیم که رییس جمهور پیشین، در مورد چنین مسائل کار نکرد اما در زمان کارزارهای انتخاباتی پیرامون موضوع احزاب و مسائل دیگر با رییس جمهور غنی بحث صورت گرفت، چون قدرت و صلاحیت‌های شخص رییس جمهور بیش‌تر است، نمی‌توانیم مجبور به پاسخگویی کنیم. نظام فعلی کشور مخالف اپوزیسیون نیست ولی با گذشت هفده سال از ساختار جدید تا کنون یک اپوزیسیون رسمی در کشور نداریم. آقای احدی ادامه داد، در کشور اپوزیسیون غیررسمی وجود دارد ولی وجود اپوزیسیون رسمی در کشور مهم است تا حکومت را مجبور به پاسخگویی نماید، این‌ها به سیستم ارتباط ندارد بخاطریکه در سیستم پارلمانی و غیر پارلمانی حزب مخالف وجود دارد. وی هم‌چنین اشاره کرد، سیستم پارلمانی نیز می‌تواند متمرکز باشد که نمونه آن ترکیه چهار سال قبل است که صدراعظم قدرت نداشت.

دکتر احدی در صحبت‌های خود برای بهبود کارکرد نظام سیاسی کشور یک سلسه پیشنهاداتی را نیز ارائه کرد. (۱)، برای اینکه رییس جمهور پاسخگو باشد، باید احتمال استیضاح وی وجود داشته باشد ولی در افغانستان برای این کار لوی جرگه قانون اساسی پیش‌بینی شده است، به نظر آقای احدی، امکان برگزاری لوی جرگه اساس قانون اساسی وجود ندارد بخاطریکه ما شوراهای ولسوالی‌ها را نداریم. (۲)، کمیسیون انتخابات باید استقلالیت کامل داشته باشد و این در صورت امکان‌پذیر است که رییس جمهور صلاحیت و نقش در تعیین کمیشنران را نداشته باشد. (۳)، اپوزیسیون رسمی وجود داشته باشد و (۴)، از احزاب حمایت صورت گیرد، دکتر احدی در پایان گفت، من طرفدار تعدیلات در نظام سیاسی کنونی هستم و نظام مورد علاقه‌ام نظام پارلمانی می‌باشد.



پاسخ نویسنده پیرامون نقطه نظرات سخنرانان در مورد پژوهش

صدیقه بختیاری: دکتر مهدی در مورد اینکه چرا در این تحقیق به موضوع طالبان بیش تر پرداخته نشده است، اشاره کرد، باید بگویم، معلومات و داده های پژوهش در سه ماه اول سال ۱۳۹۸ جمع آوری شده است، در آن زمان اطلاعات کافی از گفت و گوهای طالبان با آمریکا در دسترس نبود، تنها کاری که انجام دادیم، مصاحبه با آقای وحید مژده و افرادی بود که دیدگاه نزدیک با طالبان داشتند.

صدیقه بختیاری: نقد دکتر احدی در مورد روش شناسی تحقیق و اتکا به نظریات مصاحبه شوندگان بود. در پاسخ عرض کنم، تحقیق کنونی در ادامه یک سلسله پژوهش های پیشین انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان پیرامون نظام سیاسی و قانون اساسی می باشد که پژوهش های پیشین به موضوعات مختلف بصورت گسترده پرداخته است. در قسمت روش تحقیق و اینکه نظریات مصاحبه شوندگان بیشتر منعکس یافته است باید بگویم، ما در این پژوهش از روش کیفی که مبنای آن دیدگاه های مصاحبه شوندگان است، استفاده کردیم و در کنار آن تحلیل نویسندگان نیز وجود دارد.